



## فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۳	چکیده.....
۴	۱- مفهوم شناسی.....
۶	۲- مفاهیم مشابه.....
۶	۱-۲. ملت.....
۸	۲-۲. جمعیت و مردم.....
۹	۳-۲. شهروند و تابعیت.....
۱۰	۳- تاریخچه.....
۱۱	۴- مبانی فقهی و اسلامی مفهوم امت.....
۱۱	۴-۱. مبانی فقهی امت و مفهوم دارالاسلام.....
۱۳	۴-۲. امت و تأثیر آن در نظریه حقوقی-سیاسی اسلام.....
۱۷	۵- نظریه امت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران.....
۲۰	جمع بندی.....
۲۱	منابع و مأخذ.....

## مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به‌عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به‌عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

## «امت، امه، Ummah»

## چکیده

مفهوم امت را می‌توان یکی از مهم‌ترین مفاهیم اسلامی در عرصه حقوقی و سیاسی برشمرد؛ چرا که نظریه امت موجد ساختاری نوین و منحصر به فرد در تدوین راهبردهای کلان حاکمیت اسلامی است و مفهومی جدید از مرزهای جغرافیایی و اعتقادی مبتنی بر وحدت ایدئولوژیک مسلمانان ارائه می‌نماید. بررسی این مفهوم و تقابل آن با مفاهیم مشابهی همچون ملت که مفهومی مدرن و سکولار در دوران معاصر است، در کنار توجه به بازتولید مفهوم امت در قانون اساسی جمهوری اسلامی مبتنی بر نظریه امت-امامت محور اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد. بررسی این موضوع منجر به ایده‌های نوینی در عرصه نظام سازی اسلامی می‌شود و مفهوم امت را که مبتنی بر یگانگی اعتقادی مسلمانان بنا شده است به نظریه‌ای حکومتی در سطح کلان کشورهای اسلامی مبدل می‌سازد. این نوشتار درصدد تبیین هرچه بیشتر مفهوم امت بر اساس همین دیدگاه است. این نگاه و تحلیل مبتنی بر آن می‌تواند نقش اساسی در آینده نظام حقوقی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام در راستای زمینه سازی برای تحقق تمدن اسلامی داشته باشد.

## واژگان کلیدی

امت، امت و امامت، ملت، قانون اساسی، تمدن اسلامی

## ۱- مفهوم شناسی

واژه امت در اصل از ریشه لغوی «أمم» به معنای قصد و آهنگ است و در وجوه و معانی مختلفی از قبیل شریعت، دین، جماعت، طریق، مذهب، زمان، گروه هم‌کیش و متحد بکار رفته (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰۱، ابن درید، ۱۹۷۸: ۶۰) و هر جماعت و گروهی است که امری آنها را گرد هم آورد؛ خواه دین واحد، زمان واحد یا مکان یکسان باشد؛ خواه این امر جمع‌کننده و گردآورنده از روی اختیار بوده باشد یا نباشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق: ۱۱۸) امت به گروهی اطلاق می‌شود که وجه مشترکی مانند دین، زمان، یا مکان واحد داشته باشند، خواه این اشتراک اختیاری یا غیر اختیاری باشد. واژه امت و مشتقات آن شصت و چهار بار در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ ق، ۱۰۲-۱۰۳) «امت» همچنین به معنای «راه» عزیمت، آهنگ رفتن، سفر، هجرت، حرکت به پیش و به خصوص راه مستقیم و آشکار و استوار است ولی با حفظ همه این معانی کلمه امت در اصل به معنی «الطریق الواضح» است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۲۶)<sup>۱</sup>

به لحاظ اصطلاحی نیز تعاریف مختلفی برای «امت» با رویکردهای حقوقی-سیاسی در ادبیات اسلامی مطرح شده است که آن را تبدیل به کلیدواژه‌ای اساسی و مهم در مباحث حقوق عمومی اسلام نموده است. «منظور از امت اسلامی، مردم جوامعی هستند که دین اسلام را به عنوان آیین و دین سعادت بخش در دو قلمرو مادی و معنوی پذیرفته‌اند.» (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۲) به تعبیری جامعه یا گروهی انسانی که راه روشنی را انتخاب کرده و به سوی مقصد و هدف مشترک در حرکت‌اند تا رسالت و مسئولیت جهانی خود را تحت رهبری سیاسی- الهی به منصف ظهور برسانند و در قبال هدایت و رستگاری جوامع دیگر احساس وظیفه می‌کنند. به تعبیر دیگر، امت به مردم و جامعه‌ای گفته می‌شود که نه تنها دارای فرهنگ است، بلکه آهنگ نیز دارد. فرهنگ داشتن، مقدمه آهنگ داشتن است و آهنگ به معنای قصد و عزم و تصمیم و اراده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۸۴ و ۳۲۶) عده‌ای نیز «امت» را به معنای مردم، اجتماع، گروه، اجتماع مسلمانان، جامعه مؤمنین، اجتماعی که تسلیم و مطیع خداست و دولت و حکومتی که

۱. غالب شرق‌شناسان ریشه لغوی امت را غیر عربی و از واژه‌های دخیل در قرآن دانسته و اصل آن را آکدی، عبری، یا آرامی و سریانی دانسته‌اند و در این زبان‌ها نیز به معنای «گروهی از مردم»، «قوم و قبیله و نژاد» بکار می‌رود. (Jeffery, 1984, 69, Schacht, 1978, 405)

تحت حاکمیت خدا قرار دارد به کار برده‌اند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱) بر اساس چنین تفکر اصیل توحیدی هرگز عواملی چون نژاد، زبان، قومیت، مرزهای جغرافیایی و یا سنت‌ها و فرهنگ‌ها نمی‌تواند به عنوان وسیله تفرقه و تجزیه در میان امت قابل قبول باشد. با این تعابیر «امت جامعه‌ای است که در هیچ سرزمینی ساکن نیست. امت جامعه‌ای است که بر مبنای براساس هیچ پیوندی خونی و خاکی استوار نیست، امت جامعه‌ای است که بر مبنای هیچ تشابهی در کار و شکل زندگی تشکیل نیافته است. بلکه «امت» عبارت است از جامعه‌ای که افرادش تحت یک رهبری بزرگ و متعالی، مسئولیت پیشرفت و کمال فرد و جامعه را با خون و اعتقاد و حیات خود حس می‌کنند.» (شریعی، ۱۳۸۳، ۲۵۶) در واقع دین اسلام با طرح جامعه دینی و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس قوانین آسمانی، تقسیم بندی نوینی را در جوامع بشری به وجود آورد و آن را به دو بخش «دارالاسلام و دارالحرب» دسته بندی کرد و در این تقسیم بندی امت اسلام بدون لحاظ تقسیم بندی‌های جغرافیایی و نژادی در بخش دارالاسلام قرار گرفته است. در قلب دکترین سیاسی اسلام، امت و جامعه اسلامی جای دارد که صرفاً رشته‌های ایمانی آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. مسلمان همواره باید بداند که عضو جامعه اسلامی و جزئی از این کل است و جزء یک کل و عضو یک پیکر بودن، خواه ناخواه شرایط و حدودی را ایجاب می‌کند و غیرمسلمانان عضو یک پیکر دیگرند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۵۹) مبنای این دیدگاه بر این اندیشه استوار است که یگانگی افراد و تحقق امت واحد، وابسته به این است که افراد در انتخاب شرکای زندگی خود آزاد باشند و این در صورتی امکان‌پذیر است که افراد با هم توافق فکری داشته باشند، زیرا اتحادی که از اشتراک در خاک و خون و زبان حاصل می‌شود، نمی‌تواند از اختلاف فکری جلوگیری کند. اتحاد و هماهنگی فکری و عقیدتی است که به تنهایی می‌تواند میان افراد پیوند ناگسستنی برقرار سازد. (سبحانی، ۱۳۷۰: ۳۷۵) ایده امت اسلامی می‌تواند با تعبیر نظریه «جهان‌وطنی اسلام» بیان شود که مبتنی بر اشتراک ایمان و عقیده در اسلام و نه ملاک جغرافیا و نژاد و ... می‌باشد. (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۴) ایمان ملاک وحدت و رکن شخصیت و تکیه‌گاه استقلال و موتور حرکت جامعه اسلامی است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۶۳) لذا امت اسلامی آن گروهی از مردم هستند که حول محور یکسان عقیدتی که خالق واحد و ایمان به رسولان او و اعتقاد به حرمت انسان و حقوق انسان و اخلاق انسانی است گرد آمده و متحد شده‌اند. در این تعریف، امت اسلامی آن جامعه انسانی است که با جهان‌بینی خاصی متمایز می-

شود و آن، توحید الهی و اعتقاد به پیامبران و پیامبری آنان و به امامت (یعنی رهبری الهی و سیاسی) و به جهان آخرت و به ثواب و عقاب و به قوانین صادره از طریق وحی، و اعتقاد به اینکه انسان منزلتی والا به اندازه خلافت خدا در زمین دارد، است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۳: ۳۰۹) قدر مسلم آنکه در فرهنگ اسلامی پیوند اساسی و مقدس آحاد مردم (ناس)، بر پایهٔ مواردی همچون اشتراک در خون و نژاد یا خاک و مرزهای جغرافیائی یا تجمع و اشتراک در هر نوع مقصد و آرمان یا همگونی در شکل کار و به-کارگیری ابزار آن یا تشابه در حیثیت‌های اجتماعی و نوع زندگی یا هم‌سنگری در مبارزه با دشمن مشترک و یا اشتراک در منافع طبقاتی نیست. اساسی‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مشترک ناس بر روی خط و راه مشخصی است که آگاهانه در جهت مقصد معینی انتخاب کرده‌اند، و رهبری مشترک، لازمهٔ این نوع وحدت و پیوند اجتماعی است. از این رو، دو واژهٔ امام و امت در تحلیل نهائی دارای دو معنی متلازم و به تعبیر منطقی نسبی و متضایفین هستند. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق: ۶۵۱)

## ۲- مفاهیم مشابه

برای واژه امت می‌توان چند مفهوم از جمله ملت، جمعیت، مردم و شهروند را به عنوان مفاهیم نوینی که دارای تشابهاتی با امت هستند نام برد. اما باید توجه داشت که این مفاهیم عمده‌تاً دارای رویکردی مدرن بوده و برخلاف مفهوم امت، بیشتر در ادبیات معاصر حقوقی-سیاسی مطرح شده‌اند؛ به گونه‌ای که غالباً در نسبت با مفهوم ملت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

### ۲-۱. ملت

کلمه ملت<sup>۱</sup> کلمه‌ای عربی و به معنی راه و روش و طریقه است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۷) و در قرآن کریم نیز به همین معنا آمده است.<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup> ملت پدیداری محصول تحول و

#### ۱ Nation

۲. از جمله در سوره مبارکه نحل آیه ۱۲۳: «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» سپس به تو وحی کردیم که: «از آیین ابراهیم حق‌گرای پیروی کن، [چرا که] او از مشرکان نبود.»

۳. در اصطلاح فارسی امروز این کلمه معنای مغایری یافته و اصطلاحی مستحدث و جدید است و در واقع استفاده از کلمه ملت برای مفهوم فعلی یک غلط رایج است که از زمان مشروطیت و بعد آن وارد شده است. اعراب در مواردی که ما امروزه کلمه ملت را به کار می‌بریم، کلمه قوم یا شعب را به کار می‌برند. (مطهری، ۱۳۶۲: ۵۶)

تطور تاریخی مغرب زمین است که اغلب محققان ظهور آن را ناشی از تکوین بورژوازی (خرده سرمایه داری) و شکافتن پوسته فدرالیسم در نتیجه انقلاب صنعتی می‌دانند و سمبل آن قرارداد وستفالی<sup>۱</sup> است (نقیب زاده، ۱۳۸۷، ۸). ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف نمود که عامل پیوند آن یک فرهنگ و آگاهی مشترک است. ملیت شامل وظایف فرمانگذاری از سوی فرد و حمایت از سوی دولت است و عموماً حقی جدایی ناپذیر برای هر فرد بشری شمرده می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) اعلام می‌دارد که «هرکس حق داشتن ملیتی را دارد» و «هیچکس را نمی‌توان خودسرانه از حق داشتن ملیت محروم کرد.» (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۱۰-۳۰۷) به تعبیر دیگر ملت گروهی انسانی است که نسبت به تشکیل اجتماع متعلق به خود، آگاه است و مدعی حاکمیت مستقلی است. (سیمبر، ۱۳۷۸: ۱۱۰۹) ملت به عنوان گروه انسانی از نخستین شرایطی است که لازمه تشکیل دولت - کشور است. در معروف‌ترین تعبیر از دولت-کشور گفته می‌شود: جماعتی انسانی و مستقر در سرزمین مخصوص با سازمانی که برای گروه مورد نظر و در رابطه با اعضا دارای نیروی برتر فرماندهی و اجبار است.<sup>۲</sup> گروه‌های انسانی ابتدا به صورت تجمعات مردمی در کنار هم می‌زیستند و در طول زمان با تشکیل حکومت و نهادهای سیاسی، به صورت یک ملت درآمده‌اند. همبستگی و وحدت، پایه تشکیل گروه‌های انسانی و ملت محسوب می‌شود. پدیده ملت تجسم بخش انسجام گروه انسانی است، گروه انسانی که اعضای آن در اثر عوامل پیوند دهنده مادی و معنوی به یکدیگر وابسته هستند و نسبت به جماعت احساس تعلق و وابستگی می‌نمایند. همبستگی می‌تواند مبتنی بر ملاک‌های عینی همچون سرزمین، نژاد و زبان بوده (دیدگاه آلمانی) و یا مبتنی بر ملاک‌های ذهنی همچون هنجارهای اجتماعی، آرمان‌های مشترک و فرهنگ و تمدن باشد (دیدگاه فرانسوی)

۱. معاهدات وستفالی عبارت بودند از دو معاهده «مونستر» و «اوزنابروک» که در پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در منطقه وستفالی آلمان به امضاء رسیدند. (۱۶۴۸ میلادی) زمینه ساز این معاهدات جنگ‌های سی ساله مذهبی بود و دستاورد آن علاوه بر آزادی مذهبی که پیش از این هم به تأیید امپراتور امپراتوری مقدس روم - ژرمنی و پادشاه فرانسه رسیده بود عبارت بود از تأیید حق شاهزادگان در امضای آزادانه پیمانهای صلح یا اعلان جنگ. در این پیمان حقوق برابر و یکسان کشورها به عنوان واحدهای سیاسی مستقل برای نخستین بار مطرح و مورد پذیرش قرار گرفت. چنین بود که وستفالی سمبل و نماد عصر جدید و نقطه آغاز دولت‌های ملی و مدرن قلمداد شد. (جعفری، ۱۳۸۹: ۸۵)

۲. رک: کاره دومالبر «Carre de Malberg» مشارکت در تنظیم نظریه عمومی دولت، جلد اول، ۱۹۲۰ به نقل از مدنی، سیدجلال الدین، کلیات حقوق اساسی، انتشارات پایدار، تهران، ۱۳۸۷

(دوورژه، ۱۳۴۹: ۲۴) اگرچه در اروپا با طرح نظریه مرزهای طبیعی توسط فرانسویان و سپس آلمانی‌ها، مفهوم دولت بر مبنای شکل‌گیری مفهوم ملت بنا شده، ولی کلمه ملت درگیر با محدودیت مرزهاست. درحالی که تصور یک جمعیت دارای یک فرهنگ واحد ما را از قالب مفهوم ملت به مفهوم دقیق‌تری می‌رساند که از آن با عنوان امت یاد می‌شود. مثلاً بر این اساس جمعیت دولت اسلامی «امت اسلامی» است که در دارالاسلام متجلی می‌شود. (غمامی، ۱۳۹۰: ۶۵) در ادبیات دینی و به‌ویژه در اندیشه سیاسی اسلامی نیز برای اشاره به مجتمع اسلامی از اصطلاح «ملت» استفاده نشده است و با وجود کاربرد ملت در متون دینی<sup>۱</sup> به معنای دین و آیین، اما هیچ‌گاه برای اشاره به جامعه اسلامی، واژه «ملت» به کار نرفته است. (مطهری، ۱۳۸۹: صص ۵۹-۶۰)

## ۲-۲. جمعیت و مردم

گاهی مفهوم امت و حتی ملت با مفهوم مردم مشترک فرض می‌شود. باید توجه نمود که جمعیت و مردم همواره با مفهوم ملت و امت متناظر نیست. اشتباه گرفتن دو واژه امت و ملت با مردم از آن روست که مبنای مشترک هر دو افراد انسانی است و بدون افراد انسانی نه مردم وجود دارد و نه امت و ملت. مفهوم ملت گاهی از مفهوم مردم وسیع‌تر و زمانی از آن محدودتر است. (Elie, 1960:13) مردم اسم عام برای هر اجتماع انسانی و یک پدیده طبیعی-تاریخی است. در جریان قرن‌های متمادی انسان توانست سلطه خود را بر محیط برقرار سازد و مجهز به تشکیلات و سازمان‌های اجتماعی، اداری و سیاسی گردد. اگر مردم یک واقعیت کهن به قدمت انسان است، در مقابل ملت پدیده‌ای تاریخی-سیاسی است؛ یعنی بر اساس عواملی که بیشتر سیاسی بوده به وجود آمده است. (ابوالحمد، ۱۳۸۸: ۶۸۶) از طرفی نیز می‌توان گفت که

۱. به عنوان نمونه در آیات زیر این واژه به معنای دین و مسلک به کار رفته است: بقره: ۱۳۵ (وَ قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ). آل عمران: ۹۵ (قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، نساء: ۱۲۵ (وَ مَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)، انعام: ۱۶۱ (قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَبِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، يوسف: ۳۷-۳۸ (...إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ...)، نحل: ۱۲۳ (ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، حج: ۷۸ (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ...)



مفهوم جمعیت و مردم هرچند عنصر تعیین کننده در تشکیل مفهوم امت است، اما امت و ملت مفهومی ساختارمندتر و شکل یافته‌تر از عنصر جمعیت و مردم می‌باشد.

## ۲-۳. شهروند و تابعیت

از نظر اسلام "امت" مهم‌ترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است و این مفهوم با مفاهیمی همچون "شهروند" که افراد را از طریق رابطه «تابعیت» به دولت حاکم در یک سرزمینی معین مرتبط می‌سازد متفاوت است. (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۶۲) ایده شهروندی به‌طور جدی برای اولین بار با نقد شهروندی قرون وسطی و با برگشت به تجربه روم و یونان باستان، در دوره رنسانس مطرح شد و در سال ۱۷۸۹ میلادی در جریان انقلاب فرانسه اعلامیه‌ای نوشته و به‌طور رسمی از عبارت «حقوق شهروندی» نام برده شد. البته ریشه حقوق شهروندی تا حدودی به دوره باستان برمی‌گردد، به‌طوری که برای اولین بار ارسطو در کتاب «سیاست» از شهروند سخن به میان می‌آورد. در دوره باستان مراد از شهروند کسی بود که توانایی حاکم شدن و حکومت کردن را داشت. در قرن هجدهم میلادی مراد از حقوق شهروندی بیش‌تر حقوق مدنی و به‌ویژه حق آزادی بیان، محاکمات منصفانه و دسترسی برابر به نظام قضایی بود. در این مفهوم، حقوق شهروندی مترادف با مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی بود که رابطه میان دولت‌های ملی و یکایک شهروندانشان را معین می‌کرد. (سیمور مارتین، ۱۳۸۳: ۹۵۱-۹۵۰). به تعبیری شهروند، عضو یک اجتماع سیاسی است که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است. (گیدنز، ۱۳۶۷: ۷۹۵) برخی از حقوقدانان در این باره گفته‌اند «کلیه افرادی که در محدوده جغرافیایی یک کشور زندگی می‌کنند و نیز افرادی که به‌عنوان تبعه در خارج از مرزهای آن کشور (جامعه) زیست می‌نمایند، شهروند تلقی می‌شوند، در این زمینه تابعیت، یک رابطه صرفاً سیاسی است که فردی را به دولتی مرتبط می‌سازد، به‌طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۸) تابعیت رابطه‌ای معنوی و ذاتاً سیاسی است که شخص را به کشور معینی مربوط می‌سازد. (نصیری، ۱۳۹۳: ۲۶) در حالی که ملیت و تابعیت دو حقیقتی هستند که هدف اجتماعی آن‌ها یکی ولی در عین حال متفاوت هستند. چرا که ملیت یک کیفیت معنوی است که با نیروی روحی تحقق یافته در پیکر احساسات اجتماعی جلوه می‌کند، ولی تابعیت ممکن است از روح بیرون و از

احساسات ملی دور باشد. هرچند در ظاهر و از نظر حقوقی ملیت و تابعیت در یک ردیف قرار دارند، ولی بعضی از دول استفاده از بعضی حقوق سیاسی را منحصر به افرادی کرده‌اند که ملیت اصلی آن دولت را دارند. (فراسون، ۱۳۴۶، ۱: ۱۸۲)<sup>۱</sup>

### ۳- تاریخچه

کلمه امت کلیدی است برای فهم هرچیز که به فرهنگ فراگیر اسلامی ارتباط پیدا می‌کند. تولد این واژه در تاریخ اسلام اهمیت ویژه ای دارد. تا زمان ظهور اسلام، در عربستان سازمان اجتماعی-سیاسی ماهیتی قبیله ای داشت و در برابر آن قرآن اندیشه‌ای نو را در خصوص وحدت اجتماعی عرضه کرد که از اعتقادات مشترک دینی بر می‌خاست. (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۹۶) چرا که مهم‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مشترک مردم بر راه مشخصی است که آگاهانه در جهت معینی انتخاب کرده‌اند. (عمید زنجانی: ۳۰۲) اصولاً تا زمان دولت پیامبر اکرم (ص) در مدینه واژه امت در میان اعراب مفهوم جامعه شناختی نداشته بلکه بیشتر در معنای آیین و دین به کار می‌رفت. (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۹) پیامبر اسلام برای تحقق بخشیدن به شئون سه گانه خود (تبلیغ، قضاوت و زعامت سیاسی) ناگزیر به تشکیل حکومت و دولت بود و هجرت از مکه به مدینه نیز با هدف تشکیل حکومت بود که به عنوان سرفصل تاریخ سیاسی اسلام مطرح گردید. (حاتمی، ۱۳۸۴: ۴۰) اولین گام در دولت‌سازی ایجاد اخوت میان مسلمانان بود، چرا که ساخت جامعه اسلامی بر مبنای اتحاد مبتنی بر دین است. تدوین تاریخ هجری و ساخت مسجد برخی دیگر از اقدامات پیامبر اکرم (ص) در راستای دولت‌سازی تلقی می‌شود. تدوین قانون اساسی نیز آخرین مرحله دولت‌سازی پیامبر اسلام (ص) است. (کعبی، ۱۳۹۳: ۱۴۴) تدوین و امضای پیمان مدینه بر مبنای ایمان و ایدئولوژی و اراده آزاد و با آگاهی افراد امت جدید، میان قبایل و عشیره‌ها و گروه‌های قومی و حتی مذهبی همچون یهودیان، که به عنوان نخستین قانون اساسی معروف شد در نوع خود در جهان بی نظیر بود. این امر مقدمه اتحاد سیاسی برای اعراب مدینه و سپس برای همه اعراب و مسلمانان شد. (حمیدالله، ۱۳۸۶:

۱. به عنوان مثال ایرانی الاصل بودن این حق را برای فرد ایجاد می‌کند که بتواند رییس جمهور گردد. قانون مدنی ایران در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ ضوابط تابعیت را بیان نموده است.

۲۶) بر اساس این قانون اساسی که متشکل از سازمان اداری، قضایی و دفاعی و قانونگذاری و حکومتی بود، مسلمانان از هر قبیله و قشر و گروهی، مبتنی بر همبستگی الهی یک امت را تشکیل می‌دادند. (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۷) چرا که اسلام از آغاز به صورت یک جنبش دینی-سیاسی گسترش پیدا کرد و به صورت دینی که همگرا با دولت و جامعه است پدیدار شد. از این رو امت جامعه‌ای سیاسی است که به خداوند و روز جزا و نیز اخلاق عمومی معتقد است. (Esposito, 1987, 1-3)

#### ۴- مبانی فقهی و اسلامی مفهوم امت

از آنجا که مفهوم امت یکی از محوری‌ترین نظریات اسلام با رویکرد زمینه‌سازی برای حاکمیت فراگیر محسوب می‌شود، ضروری است علاوه بر مبانی فقهی صرف، به تأثیر آن در مبانی نظریات حقوقی-سیاسی اسلام نیز اشاره شود.

#### ۴-۱. مبانی فقهی امت و مفهوم دارالاسلام

در مباحث مربوط به احکام فقهی و حقوقی اسلام به ویژه حقوق بین‌الملل اسلامی، اولین گام برای بار کردن احکام حقوقی، تعیین ملاکی است که مبتنی بر آن بتوان سیاست همگرایی و تشکیل امت اسلامی را بنا نهاد. نهادی که به واسطه استنباط از قرآن و سنت طراحی شده است، سه گانه‌ای است مبتنی بر جریان جغرافیایی، جمعیتی و اعتقادات که شامل دارالاسلام، دارالکفر و دارالحرب می‌شود<sup>۱</sup> و استقرار امت اسلامی مبتنی بر مفهوم دارالاسلام می‌باشد. (غمامی، ۱۳۹۱: ۱۳۱) اصولاً اشخاص در امت اسلامی اتباع ذاتی دارالاسلام هستند. (عباس نژاد، ۱۳۸۵: ۷۴) و دارالاسلام به عنوان مفهوم فقهی از محدوده عینی امت اسلامی، در نظرات فقهی با ملاک‌هایی چون جریان احکام اسلامی (شهید اول، ج ۳: ۷۸)، مالکیت سرزمینی (طوسی، ۱۳۹۶: ق: ۳۴۳)، وجود تسلط و حاکمیت سیاسی (علامه حلی، ۱۳۸۸: ص ۲۷۵)، وجود امنیت و امکان برای مسلمانان در انجام شعائر اسلامی (سرخسی، ۱۹۷۱: ۱۸) شناخته شده است. بدین ترتیب و با انتخاب هریک از معیارهای فوق برای شناسایی دارالاسلام، می‌بینیم

۱. دارالاسلام تعبیری فقهی است در بیان مفهوم سرزمین اسلام و منظور سرزمین‌هایی است که امت اسلامی در آن‌ها زندگی می‌کنند. این اصطلاح در برابر دارالکفر است که منظور سرزمین‌های کافران و غیر مسلمانان می‌باشد.

که اسلام در نظریه امت، معنایی خاص به مرزبندی سرزمینی و اعتقادی می‌دهد و در واقع حدود اعتقادی و جغرافیایی امت را مشخص می‌کند. (غمامی، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۳۷) از طرفی نظریه امت را به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های اسلام می‌توان دارای مبانی اعتقادی و کلامی خاص دانست که برپایه آن‌ها قابل بیان و تفسیر است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اصل توحید، جامعیت دین، جهان شمول بودن دین، خاتمیت دین اسلام، دین اتم و اکمل.<sup>۱</sup>

نظریه امت و ضرورت تشکیل امت واحده اسلامی در کتاب و سنت نیز به صورت خاص مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. آیات متعددی از قرآن کریم به مسئله لزوم تشکیل امت واحده اسلامی پرداخته‌اند. دسته ای از این آیات هم چون آیه ۹۲ سوره انبیا<sup>۲</sup> و آیه ۵۲ سوره مؤمنون<sup>۳</sup> به صورت صریح به موضوع امت پرداخته که اسلام‌شناسان در مقام بررسی و بیان جایگاه امت اسلامی و لزوم حرکت حکومت اسلامی به سمت تحقق امت واحده‌ی اسلامی به آن‌ها استناد نموده‌اند. (حسینی الخامنه‌ای، ۱۴۲۳، ۳۰۹ و یزدی، ۱۳۷۵، ۱۷۳) بر اساس این دو آیه و آیاتی از این دست که واژه امت در آن‌ها به معنای جماعت مسلمانان به کار رفته است، همه‌ی مسلمانان یک امت هستند، پروردگار، کتاب و پیامبرشان یکی است و بر پایه‌ی فطرت و وظیفه‌ی اسلامی باید در راستای تحقق امت واحده‌ی اسلامی گام بردارند. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۳۵) علاوه بر این دسته از آیات که صراحتاً به موضوع وحدت اشاره کرده‌اند، آیات دیگری نیز وجود دارد که می‌توان آن‌ها را مبنای لزوم تشکیل امت اسلامی دانست. بعضی از این آیات از جمله آیه ۱۰۳ سوره آل عمران<sup>۴</sup> به

۱. مطالعه بیشتر در خصوص مبانی اعتقادی و کلامی امت: (طباطبائی، ۱۳۴۱ش، ص ۸۰ امام خمینی، ۱۳۵۷ش، ص ۳۳-۲۶؛ منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۰۱-۵۰۰ و مصباح یزدی، ۱۳۸۰ص ۱۹).

۲. إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون. این است امت شما که امتی یگانه است، و من پروردگار شما، پس مرا پرستید.

۳. وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون. و در حقیقت، این امت شماست که امتی یگانه است، و من پروردگار شما، پس، از من پروا دارید.

۴. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه

برابری، اتحاد و برادری مسلمانان و آثار و نتایج آن اشاره می نماید. آیه مذکور با نعمت دانستن اخوت و برادری مسلمانان، هرگونه اختلاف و تفرقه را نفی کرده و بر این نکته تاکید می ورزد که این یگانگی باید مبتنی بر دین الهی و آموزه های اسلامی شکل گیرد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۲۴) علاوه بر این آیاتی همچون آیه ۴۶ سوره انفال<sup>۱</sup> که بر ضرورت تبعیت از فرمان خدا و پرهیز از تفرقه اشاره دارد، به نوعی مسلمانان را به گرد هم آمدن ذیل عقیده ای واحد و در قالب امت اسلامی امر می نماید. (خامنه ای، ۷۶/۹/۱۸) در کنار این ها، آیاتی که دلالت بر ولایت مسلمانان به یکدیگر (سوره توبه: ۷۱) و برادری آن ها با هم دارد، (سوره حجرات: ۱۰) نیز می تواند مستندی برای تشکیل امت اسلامی در آیات قرآن کریم به حساب آید. مسئله امت واحده اسلامی در روایات منقول از معصومین (علیهم السلام) نیز مورد اشاره قرار گرفته است و تحقق آن به عنوان دستوری شرعی از ناحیه خداوند متعال از روایات نیز قابل برداشت است.<sup>۲</sup>

در نتیجه بر مبنای مجموعه ای آیات و روایات مذکور می توان بیان نمود که «مسلمانان بر پایه فطرت و وظیفه اسلامی خود همه یک امت هستند، دینشان یکی، خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است. پس واجب است بر همه شهرها و کشورهای آنها تنها یک حکم و یک قانون حکومت کند، و تنها یک سیاست آنها را اداره کند، چنانچه در صدر اسلام اینگونه بود» (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۳۵)

#### ۲-۴. امت و تأثیر آن در نظریه حقوقی-سیاسی اسلام

→  
که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند، باشد که شما راه یابید.

۱. وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فِتْنَفْسَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سُست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

۲. برای مطالعه درباره روایات اصلی اشاره کننده به موضوع امت اسلامی رک: (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۲۹ تا ۲۳۵) ایشان در این کتاب در مقام بررسی جایگاه امت اسلامی در اندیشه دینی به ذکر ۱۶ روایت از سیره و سنت اهل بیت عصمت و طهارت می پردازد.

همانطور که بیان شد «در فقه سیاسی اسلام منظور از امت جماعتی دارای وحدت فکری-اعتقادی است و عنصر جمعیت دولت اسلامی را همین امت تشکیل می‌دهند که دارای رابطه اعتقادی مبتنی بر اسلام هستند» (غمامی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). به تعبیر مقام معظم رهبری «نخستین فرآورده سیاسی-انسانی اسلام، امت اسلامی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۱۸)<sup>۱</sup> پیامبر در جهت تأسیس جامعه اسلامی و امت اسلامی، با شکستن همه مرزها، تنها مرز را اسلام قرار داد، دسته‌های مختلف را دعوت کرد و یکی از طرق متحد کردن آن‌ها نیز انعقاد پیمان‌ها همچون «پیمان عقبه» بود.<sup>۲</sup> به اعتقاد شهید بهشتی بین ملت، عامه مردم و امت تفاوت وجود دارد. «بر اساس کتاب و سنت تمام نظر مکتب به عامه مردم است و در میان عامه مردم آن‌ها که بر محور این مکتب جمع می‌شوند و شکل می‌گیرند از تقدم و اولویت خاص برخوردارند و آن‌ها می‌شوند امت. امت غیر از ناس است. اسلام در خدمت ناس است. صلاح همه را می‌خواهد نه صلاح مسلمانان را. نظام اسلامی به سعادت کل بشر می‌اندیشد ولی در میان ناس و کل بشر آن‌ها که بر پایه اعتقاد به اسلام و التزام به اسلام یک مجموعه به وجود می‌آورند می‌شوند امت که نیاز دارد به امام.» (بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۹-۴۰) طبق نظر شهید سید محمد باقر صدر پیرامون حاکمیت مطلق الهی و حاکمیت امت در امتداد آن که با عنوان «استخلاف» از آن یاد کرده است، امت حق تعیین سرنوشت خود را دارد و در این فرآیند عالمان به نیابت از پیامبران، شاهد و گواه بوده و جامعه را راهبری و هدایت می‌نمایند. (صدر، ۱۴۱۰: ۳۱ و ۳۲) این نظریه دو عنصر اصلی شامل مردم و رهبری دارد و هدف نهایی را نیز تشکیل امت واحد اسلامی قرار می‌دهد تا برپایه آن سعادت فردی و جمعی انسان‌ها تأمین گردد. امام در لغت به معنی پیشوا و رهبر است و در اصطلاح رهبر عموم مسلمانان در کارهای دینی و دنیوی آن‌ها است. امامت در اسلام به جایگاهی اطلاق می‌گردد که هم مرجعیت دینی و هم مرجعیت اجتماعی و سیاسی را شامل می‌گردد و امت گروهی هستند که این مرجعیت و پیشوایی را پذیرفته و قبول نموده‌اند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۵۶) برخی بر این باورند که امت در فرهنگ اسلامی دارای

۱. هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی. دسترسی:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=802>

۲. «هذا کتاب من محمد النبی (رسول الله) بین المومنین والمسلمین من قریش واهل یرثب ومن تبعهم فلحق بهم وجاهد معهم... انهم امه من دون الناس» (ابن هشام، بی تا: ۱۴۷)

دو مفهوم عام و خاص است. بدین صورت که امت در معنای عام مترادف با واژه شعب (ملت) است یعنی مجموعه‌ای از مردم که وطن واحد و مصالح مشترک آنها را گرد یکدیگر می‌آورد و این مصالح از طریق حاکمیت و رهبری سیاسی واحد به تحقق می‌رسند. اما امت به مفهوم خاص، مجموعه‌ای از مردم هستند که ایمان آنها به ارزش‌های مشترکی، که این ارزش‌ها در رهبری واحد و نظام واحد زندگی تبلور یافته‌اند، آنها را گرد یکدیگر آورده است. در این نگاه امت به معنای دوم، همان هدفی است که انبیا به دنبال شکل‌دهی و عینیت بخشیدن به آن بر اساس ارزش‌های عالی بوده‌اند. امت به این معنا در دو امر اساسی از معنای نخست متمایز می‌شود. اول آنکه آن عنصر بشری که عنصر امت (به معنای خاص) از آن، شکل و مایه می‌گیرد جز در انسان واحد متمثل و عیان نمی‌شود؛ انسانی که در او ارزش‌هایی که بدانها معتقد است عینیت یافته و در نتیجه، او «امت» می‌شود. همانطور که در قرآن (نحل: ۱۲۰-۱۲۱) در مورد حضرت ابراهیم علیه‌السلام چنین گفته شده است. در تبلور مفهوم امت، کمیت و تعداد بشر دخیل نیست و نقش اساسی در این معنا به عنصر کیفی اختصاص دارد و این معنا، برخلاف معنای امت به مفهوم عام آن است؛ چرا که در شکل‌گیری مفهوم عام امت، عنصر کمی نقش اساسی دارد. دوم آنکه امامت امت به معنای خاص حالتی حقیقی و واقعی است و امری اعتباری نیست که دائرمدار وضع و اعتبار باشد و از این رو موافق سنت تکوینی تخلف‌ناپذیر الهی جریان می‌یابد و این مخالف مفهوم عام امت است؛ چرا که امامت و رهبری امت (ملت)، نفیاً و اثباتاً حالتی اعتباری است که بر مدار وضع و قرارداد اجتماعی می‌گردد و امت به اعتبار خاصی فردی را برای رهبری امت برمی‌گزیند و خود امت پس از گذشت زمانی فرد دیگری را به رهبری برمی‌گزیند. (اراکي، ۱۴۲۵ق: ۱۳-۱۵). علامه طباطبایی معتقدند: «اسلام اصل انشعابات قومی و ملی را بدین صورت که مؤثر در تکون و پیدایش اجتماع باشد ملغی ساخته است. امروزه انشعابات و ملیت‌هایی بر اساس «وطن» تشکیل می‌گردند و در نتیجه این ملت از ملت‌های دیگر که در وطن‌های دیگر قرار دارند روحاً و جسماً جدا می‌گردد و با این ترتیب، انسانیت از وحدت و تجمع دوری گزیده و مبتلا به تفرق و تشتتی که فطرت انسانیش از آن فرار می‌نموده می‌گردد. در این صورت برخورد یک جامعه جدید با دیگر جوامع به گونه‌ای نظیر برخورد انسان با سایر اشیاء و موجودات طبیعت است که آنان را به استخدام می‌گیرد، استعمار می‌کند و تجربه قرن‌های طولانی از آغاز

خلقت تا کنون به این حقیقت گواهی می‌دهد. به همین دلیل است که اسلام این قبیل انشعابات و تمیزات را ملغی ساخته و اجتماع انسانی را بر اساس عقیده و نه نژاد و وطن و نظایر آن پایه ریزی نموده است. حتی ملاک در بهره برداری‌های جنسی (ازدواج) و ارث، اشتراک در عقیده و توحید است نه در منزل و وطن.» (طباطبایی، ۱۲۶: ۱۳۵۰ - ۱۲۵) البته فرامولی بودن مفهوم امت هرگز به مفهوم نفی ملیت یا ضدیت با آن نیست، بلکه آن دسته از تعصبات ملی که با ارزش‌های دینی یا انسانی در تعارض اند نفی می‌گردند. احیاگران تفکر اسلامی همواره با این مسئله مواجه بوده‌اند که چگونه حکومت اسلامی را با الگوی دولت ملی سازگار کنند (فیرحی، ۱۳۸۶، ۵۰) به تعبیر امام خمینی<sup>(ره)</sup> به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصلحان معاصر جهان اسلام، ناسیونالیسم و ملیت‌گرایی یکی از موانع وحدت اسلامی و امت بوده است. «من مکرر عرض می‌کنم که این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۰۳) و مکرراً اشاره کرده‌اند که ناسیونالیسم و محوریت دادن به نژاد یا به تعبیر نژادبازی (صحیفه نور، ج ۱: ۳۷۸) ارمغان غرب بوده و با هدف ایجاد تفرقه در بلاد اسلامی القاء شده است. در حقیقت در دنیای دولت-ملت‌ها، ناسیونالیسم به عنوان ایدئولوژی، جای بسیاری از کارکردهای دین را می‌گیرد: به عنوان نظام عقیدتی، جهان‌بینی خاصی (که حاکی از برتری و اولویت قومی مشخص است) به افراد القا می‌کند و با ایجاد مقدساتی چون پرچم، سرود ملی، سمبل‌های قومی و مناسک دولتی و نظایر این‌ها برای خود دستگاهی شبه دینی به وجود می‌آورد (بیلیگ، ۲۰۰۲: ۳۳)؛ بدین ترتیب اعتقادات دینی به عقاید درجه دوم تنزل داده می‌شود. در حالی که در دوره ماقبل دولت-ملت‌ها، احساس همبستگی عمدتاً ناشی از عقاید دینی بود. و این عقاید در امت اسلامی نه تنها رو به افول نبوده است که در دهه‌های اخیر شاهد بازخیزی مجدد آن بوده‌ایم. لذا به نظر می‌رسد یکی از دلایل عدم توفیق فرایند ملت‌سازی در جهان اسلام و تا حدودی بیگانه بودن مسلمانان با این پدیده سیاسی و فرهنگی، تفاوت در نگرش مسلمانان نسبت به خاستگاه ملت و ویژگی‌های عرفی و غیر دینی ملت باشد. (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۶۵) در واقع نقش پر تأثیر دین و ساخت چارچوب‌های فکری و ذهنی مسلمانان تضادهای عمیق و وسیع با باورهای ناسیونالیسم در قلمرو جهان اسلام ایجاد می‌کند. (سید قطب، ۱۹۶۶، ۵۴۶) در واقع برخلاف دولت‌های فئودال یا پادشاهی در اروپای مسیحی، امت اسلامی، گروه‌های مختلف را بدون تخریب ساختارهای داخلی آن‌ها به هم مرتبط ساخت. (بلک،



۱۳۸۶: ۱۵) جهان اسلام نیز با توجه به تجربه طولانی با هم زیستن مسلمانان، اصول و ارزش‌های مشترک توحیدی وحدت بخش و نگرش پویای امت محوری بین مسلمانان، به مرور می‌تواند در عرصه حقوقی-سیاسی هم به این هدف آرمانی دست یابد.

## ۵- نظریه امت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

نظریه «امت-امامت» نظریه‌ای حقوقی-سیاسی مبتنی بر مفهوم امت است که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلام ایران و اصول مختلف به آن اشاره شده است. در مقدمه قانون اساسی، انقلاب اسلامی ایران به عنوان حلقه اول فرایند تشکیل امت اسلامی، خواست قلبی همه ملت اسلامی تلقی شده است. لذا این انقلاب تنها منتسب به کشور ایران نیست و در راستای تشکیل امت اسلامی است. البته پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی که توسط دولت موقت تهیه و به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ارائه شده بود، خالی از واژگان امت و امامت بود و اساساً جایگاهی برای نهاد امامت در قانون اساسی پیش‌بینی نکرده بود<sup>۱</sup> و کلیدواژه امت، با توجه به دغدغه‌های مکتبی نمایندگان مجلس بررسی نهایی و در پی اساسی‌سازی نهاد امامت در قانون اساسی (اصل ۵ و اصول مندرج در فصل هشتم) و آرمان تحقق امت اسلامی (اصل ۱۱) از سوی مجلس یادشده، وارد منظومه قانون اساسی شد.

کلیدواژه «امت» در اصول ۵، ۱۱، ۵۷، ۱۰۹ و ۱۷۷ قانون اساسی ذکر شده است. در اصول ۵، ۵۷ و ۱۷۷ در ترکیب «امامت امت» و برای اشاره به جایگاه ولی‌فقیه جامع‌الشرایط در جمهوری اسلامی آمده است؛ همان رهبری که به موجب اصل ۱۰۷ توسط خیرگان منتخب مردم ایران انتخاب می‌شود و همه مسئولیت‌های ناشی از ولایت امر را عهده‌دار است و در بند دوم اصل ۱۰۹، یکی از صفات او (امام امت یا ولی‌امر)، عدالت و تقوای لازم برای رهبری «امت اسلام»، منظور شده است. در اصل ۱۱ نیز همه مسلمانان جهان، یک «امت» نامیده شده‌اند. با توجه به قرینه «در جمهوری اسلامی ایران» در متن اصل ۵ و با عنایت به اینکه امام امت و ولی‌امر موضوع این

۱. برای مشاهده متن کامل پیش‌نویس قانون اساسی نک: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ج ۴: صص ۵-۲۱.

اصل، همان رهبری دانسته شده که به موجب اصل ۱۰۷ از سوی خبرگان منتخب «مردم ایران» انتخاب می‌شود و افزون بر آن با توجه به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصولاً برای جامعه سیاسی ایران (ملت ایران و نسل‌های بعدی آن) تدوین و تصویب شده و به تأیید ملت ایران نیز رسیده است، به نظر می‌رسد مراد از «امت» در این اصل همان «ملت ایران» است که با اکثریت مسلمان و رهبری مکتبی متمایز می‌باشند.

از طرفی اصل ۱۱ قانون اساسی نیز بیان می‌دارد: «به حکم آیه کریمه "ان هذہ امتکم و امة واحدة و انا ربکم فاعبدون" همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد». این اصل در فصل کلیات و به عنوان مبانی نظام آورده شده است تا دولت اسلامی را مبتنی بر آن مستقر نماید. (اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱: ۳۷۱) اولین جمله قانون اساسی نیز آن را مبین نهادهایی می‌داند که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد؛ به گونه ای که حتی در تدوین قانون اساسی علمایی در خارج از کشور نیز نظرات خود را اعلام می‌نمودند؛ همچون شهید سیدمحمدباقر صدر که جمعیت مخاطب این قانون را «تمامی امت اسلامی» عنوان کردند. با همین رویکرد اساساً عالی‌ترین مقام سیاسی این دولت شرط ایرانی بودن را ندارد و هر فرد با ویژگی‌های اصل ۱۰۹ با هر ملیتی که باشد می‌تواند با کشف شرایط توسط مجلس خبرگان زمام امور کشور و رهبری امت اسلام (اصل ۵۷ و بند ۲ اصل ۱۰۹) را بر عهده گیرد. (غمامی، ۱۳۹۱: ۱۱۵) در چنین تعبیری از حاکمیت اسلامی، عنصر امت در واقع نیروی انسانی دولت است که با حضور رهبران دینی عمل می‌نماید و رسالت دولت نیز تحقق و گسترش اسلام است. در اینجا یک زنجیره منطقی وجود دارد: «حلقه اول انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴) نظریه حقوقی-سیاسی امت در واقع نظریه اصلی مسلمانان در گذار از قالب‌ها و نظریه‌های حاکمیت در دوران معاصر است که همگی برپایه ناسیونالیسم و نظریه دولت-ملت شکل گرفته‌اند. لذا در راستای تشکیل امت، رابطه تابعیت، عضویت و

اقامت در کشور محوریت نداشته و باید گفت که مبنای حاکمیت اسلامی علاوه بر حکومت احکام اسلامی و استقلال، چشم‌اندازی است که با استقرار مفهوم امت اسلامی مبتنی بر مفهوم دارالاسلام و همبستگی منافع در قالب مفهوم برادری می‌تواند موجبات تعالی و وحدت کشورهای اسلامی را فراهم آورد. (غمامی، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۳۷)

آیت اله شهید بهشتی نظام سیاسی شیعه را نظام امامت و امت می‌داند و این الگو را به هر دو دوره حضور معصوم و عصر غیبت تعمیم می‌دهد و معتقد است که این نظام با هیچ‌یک از این عناوینی که در کتاب‌های حقوق سیاسی و یا حقوق اساسی آمده قابل تطبیق نیست. (بهشتی، ۱۳۹۱: ۳۹) ترکیب امامت و امت در اصل پنجم قانون اساسی هم که متن آن به وسیله شهید بهشتی تنظیم شده، آمده است. در این نوع از نظام سیاسی، امامت و رهبری در رأس همه امور قرار دارد. شهید بهشتی دریافتی خاص از مفهوم امت دارد که آن را مجموعه‌ای در پیوند با عقیده یا ایدئولوژی خاص تعریف می‌کند. امت نسبتی با زمین و ملت به معنای مدرن امروز ندارد، بلکه بر اساس عقیده و وحدت در عقیده تعریف می‌شود. (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۹۶) شهید بهشتی قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی را مصداق نظام امامت و امت در دوره غیبت معرفی کرده است. «امروزه در عصر غیبت امامت شناختی و پذیرفتنی است. بنابراین رابطه امت و امامت یک رابطه مشخص است» (بهشتی، ۱۳۹۰: ۴۰) با توجه به اصول متعدد قانون اساسی از جمله بند ۱۶ اصل ۳ و اصول ۱۱ و ۱۵۲ و ۱۵۴ می‌توان نتیجه گرفت که از نظر قانون اساسی چون «همه مسلمانان یک امت‌اند»، «دفاع از حقوق همه مسلمانان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان یکی از معیارهای اسلام است و به همین سبب یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به بدهات و قطعیت اصل اسلامی اخوت اسلامی و وحدت امت اسلامی و وجود دفاع از حقوق همه مسلمانان، می‌توان در این زمینه به اصل چهارم قانون اساسی که اصل مربوط به حاکمیت دین می‌باشد استناد کرد که هرگونه قانونگذاری که در تعارض با وحدت امت اسلامی و موجب بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت مسلمانان باشد با روح حاکم بر قانون اساسی ما سازگاری نخواهد داشت. در صورت تراحم و تعارض میان منافع «امت و ملت» هم چه بر اساس مبانی دینی و چه مطابق موازین حقوق اساسی جمهوری اسلامی، ترجیح با منافع امت است. تنها در

صورتی که تقدم منافع امت اسلام و چشم پوشی از منافع ملی موجبات تزلزل در ارکان حاکمیت و اساس نظام اسلامی را فراهم آورد، دیگر نمی‌توان منافع امت را بر منافع ملت ترجیح داد.» (جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶۹-۱۷۲)

## جمع بندی

فلسفه سیاسی اسلام که بر پایه شناخت واقع بینانه از جهان و بر محور آرمان‌های توحیدی شکل گرفته است حکم می‌کند که تمام کشورهای اسلامی به عنوان جزئی از پیکره واحد امت اسلامی در یک تلاش جهانی در راه تحکیم وحدت اسلامی و اعتلای اسلام در برابر کفر بکوشند. این نظریه مبتنی بر ایجاد مرزهای عقیدتی و پیوندهای ایدئولوژیک بر اساس اسلام، یکپارچگی جهان اسلام را با رعایت تنوع فرهنگی و قومی و سرزمینی زمینه سازی می‌کند. مفهوم امت در برابر مفهوم ملت - که به عنوان ایده‌ای مدرن، سکولار و معاصر و در رابطه با نظریه دولت ملی مطرح شده است - خود را با نظریه امت - امامت مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ساختاری نوین و امروزی تبلور داده و جاری ساخته است. لذا لازم است الگوی امت در این قالب نوین در سایر کشورهای اسلامی نیز گسترده شود. چنین فرایندی زمانی کامل خواهد شد که هوشمندانه قوانین و اصول راهبردی حاکمیت و وحدت اسلامی در الزامات تقنینی کشورهای اسلامی نمودار شده و استراتژی تعاون و همبستگی به عنوان یک راهبرد بنیادین در قانون اساسی این کشورها لحاظ شود و از ملی‌گرایی و نظام منحط دولت ملی به صورت سازمان یافته و دارای ضمانت اجرای مؤثر به مقابله پرداخت. اگر مسلمانان از مرزهای ملی عبور نموده و به مرزهای امی، بیاندیشند و مصالح کلی جهان اسلام را در اولویت کاری خود قرار دهند با توجه به فرهنگ غنی اسلام و موقعیت‌های سرزمینی و راهبردی که در اختیار جهان اسلام قرار دارد و ذخایر و منابع طبیعی که مسلمانان در اختیار دارند، می‌توانند در معادلات جهانی تعیین کننده بلکه تصمیم‌گیرنده باشند. با تعمق در مفهوم امت و ورود این اندیشه در حوزه حقوق، سیاست و اجتماع، جهان اسلام و مسلمانان می‌توانند به قدرتی بلامنازع تبدیل شوند و الگویی برای جامعه بشریت و زمینه ساز تشکیل حکومت جهانی بر پایه اسلام شوند.

## منابع و مأخذ

۱. ابن درید، ابوبکر، *جمهره اللغة*، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، ج ۱، بیروت، دارالعلم للملایین، چ ۱، ۱۹۸۷
۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱۲، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵
۳. ابن هشام، *السیره النبویه دار احیا التراث العربی*، بیروت، ج ۲، بی تا
۴. ابوالحمد عبدالحمید، *حقوق اداری* ۲، چ ۸، تهران، انتشارات توس، ۱۳۸۸
۵. ابوالحمد عبدالحمید، «ملت پیدایی و تحول آن»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۸، ۱۳۵۰
۶. اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، ۱۳۶۱
۷. اراکی، محسن، *نظریه الحکم فی الإسلام*، قم: مجمع اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق
۸. خمینی، روح الله، *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، موسسه تنظیم و نشر آثار، تهران ۱۳۵۷
۹. آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید، ۱۳۷۲
۱۰. بلک، آنتونی، *تاریخ اندیشه سیاسی اسلام*، مترجم محمد حسین وقار، تهران، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۸۶
۱۱. بهشتی، سیدمحمد حسین، *مبانی نظری قانون اساسی*، چ ۴، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های دکتر بهشتی، ۱۳۹۰
۱۲. جعفری، انوش، «جهانی شدن و دستفالی زدایی از متغیرهای دولت»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۳، ۱۳۸۹
۱۳. جعفری، محمد تقی، *مقدمه استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵
۱۴. جعفریان، رسول، *تاریخ ایران اسلامی* ج ۱، نشر الکترونیکی امیر قربانی، ۱۳۹۲
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۱، قم، ۱۳۸۶

۱۷. جوان آراسته، حسین، «امت و ملت، نگاهی دوباره»، حکومت اسلامی، سال ۵، شماره ۲، ۱۳۷۹
۱۸. حاتمی، محمدرضا، مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران، نشر علوم و فنون رازی، ۱۳۸۴
۱۹. حسن بن یوسف علامه حلّی، تذکره الفقهاء، چاپ سنگی (بی جا، بی تا)، چاپ افسست تهران، ۱۳۸۸
۲۰. حسینی خامنه‌ای، السید محمد، الأبعاد الدولية للحج أطروحة جديدة على ضوء الحقوق و القانون (القسم الاول)، مترجم: خالد الغفوری، فقه أهل البيت، شماره ۲۸، ۱۴۲۳.
۲۱. حمیدالله، محمد، اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۶
۲۲. خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۹۰/۷/۲۴ [www.farsi.khamanai.ir](http://www.farsi.khamanai.ir)
۲۳. راغب اصفهانی، ابی القاسم، المفردات فی غریب القرآن، نشر آرایه، تهران. ۱۳۸۷
۲۴. رضا سیمبر، «ملت‌های بدون کشور در جامعه جهانی»، مجله سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۴، ۱۳۷۸
۲۵. زارعی، بهادر، «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳، ۱۳۹۰
۲۶. سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، قم: موسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا، ۱۳۷۰
۲۷. سرخسی، محمد ابن احمد، شرح السیر الکبیر، چاپ صلاح الدین منجد، قاهره. ۱۹۷۱ م
۲۸. سید قطب، عدالت اجتماعی اسلام، نشر کلبه شروق، ۱۳۷۸
۲۹. شریعتی، علی، امامت و امت، ۱۳۸۴، نسخه الکترونیک  
<http://ketabnak.com/comment.php?dlid=47532>
۳۰. شریعتی، علی، فرهنگ لغات، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۸۳
۳۱. شهید اول، محمد ابن مکی، الدروس، انتشارات مکتب مفید، قم. بی تا
۳۲. شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چ ۳۸، ۱۳۸۵
۳۳. شیخ طوسی، ابو جعفر، المبسوط، دارالکتاب الاسلامیه، بیروت. ۱۳۹۶ ه ق
۳۴. صدر، سیدمحمد باقر، الاسلام یقود الحیاة، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت. ۱۴۱۰ ه ق

۳۵. طباطبایی موتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، نشر میزان، تهران ۱۳۸۶
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، میزان، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۳۵۰
۳۷. طباطبائی، محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، بیروت ۱۳۹۰ق - ۱۳۴۱ ش
۳۸. ظهیر احمدی، «مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲، ۱۳۸۸
۳۹. عباس نژاد، محسن و همکاران، قرآن و حقوق، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مشهد. ۱۳۸۵
۴۰. عبدالباقی، المعجم المفهرس الالفاظ القرآن الکریم، دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴ ق
۴۱. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران. ۱۳۸۵
۴۲. عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ج ۲ و ۳، ۱۴۲۱ق
۴۳. غمامی، سیدمحمد مهدی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۹۰
۴۴. غمامی، سیدمحمد مهدی، «قدرت نرم نظم اساسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق آرمان وحدت اسلام»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۲، شماره ۲۰، ۱۳۹۱
۴۵. فراسون، علی اصغر، ملت، ملیت و تابعیت، نشریه کانون سردفتران، سال یازدهم، شماره ۲، مهر و آبان ۱۳۴۶
۴۶. فیرحی، داوود، «رهبری و حکومت در اندیشه شهید بهشتی «نظریه امت و امامت»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۱۳۹۱
۴۷. فیرحی، داوود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۸۶
۴۸. قاسمی، محمدعلی، «دیالکتیک امت و ملت در آراء امام خمینی(ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۳، ۱۳۸۹
۴۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۵۰. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
۵۱. کاره دومالبر، مشارکت در تنظیم نظریه عمومی دولت، جلد اول، ۱۹۲۰
۵۲. کعبی، عباسعلی، شرح فقهی قانون اساسی، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳
۵۳. گیدنز، آنتونی، مترجم منوچهر صبوری، جامعه شناسی، نشرنی، تهران، ۱۳۶۷

۵۴. لیست، سیمور مارتین، دایرةالمعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی، نشر وزارت امور خارجه، تهران، جلد دوم، ۱۳۸۳
۵۵. مدنی، سیدجلال الدین، کلیات حقوق اساسی، انتشارات پایدار، تهران. ۱۳۸۷
۵۶. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، ج اول موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۸۰
۵۷. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، ج ۱۲، ۱۳۶۲
۵۸. مطهری، مرتضی، ولاءها و ولایتها، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹
۵۹. منتظری نجفآبادی، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ه.ق.
۶۰. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰
۶۱. موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۹.
۶۲. نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، ج ۲۹، انتشارات آگه، ۱۳۹۳
۶۳. نقیبزاده، احمد، تاریخ دیپلماسی و روابط بین الملل از وستفالی تا امروز، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۷
۶۴. یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
65. Eliade, mircia, 1986, the encyclopedia of reigion, macmillan publishing company.
66. Esposito, john, 1987, islam and politics, siracuse university press.
67. Jeffery, Marjorie, 1984, islam the religious and political life of world community, New York, Westport Connecticut: London.
68. Kedourie, Elie, nationalism, Hutchinson university library, london, 1960.
69. Shacht, joseph, Bosworth, ce, 1978, the legacy of Islam, oxford university press.